

112

79



II2 - 79 Сочинение на персидском языке по шариату. Ташкент,
1896 г.

بعون الله الملك المنان چون درین

آوان فراغت تو امان این ساله با

منه که من عرض عین نیت نماز عربی

و مجموع اسم اعظم و قواعد میرزا

منظوم و مفسدات نماز و غیر آن شرح

اهتمام قاری عبد الواسع آفتقال

ابن ملا علی قزوینی در بخاری در ولایت

تاشکند مطبوع و مقبول محبت

ДОЗВ. ЦЕНЗУРОЮ С.-П.-БУРГЪ
1896 ГОДА. АНТ. П. Ф. БРЕНДЕНБАХЪ

— ВЪ ТАШКЕНТЪ. —

دو سوره

بخوان الله الملك المنان چون درین

آوان فراغت تو امان این ساله بالا

منه که من عین منیت نماز عمری

و مجموع اسم اعظم و قواعد میرزا زاهد

منظوم و مفیدات نماز و غیر آن بسجده

اهتمام قاری عبد الواسع آفتقال

ابن ملا علی قزوینی در بخاری در ولایت

تاشکند مطبوع و مقبول حجج الله

ДОЗВ. ЦЕНЗУРОЮ С.-П.-БУРГЪ

1896 ГОДА ЛИТ. П. Ф. БРЕНДЕНБАХЪ

ВЪ ТАШКЕНТЪ. —

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين حمد ثابت است مرا لله تعالی
 راکه رب العالمیان است یعنی مرئی و تربیتی
 عالمیان است ایضا و کلام علی رسول محمد
 وآله و صحابه اجمعین صلوة یعنی دعا و درود و کلام
 یعنی رحمت نازل باد بر رسول خدا که نامش شریف است
 محمد است برآل ایشان بر اصحاب ایشان و جمیع
 ایشان لا اله الا الله محمد رسول الله یعنی
 الهی موجود مگر الله تعالی که موجود است حضرت
 محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم رسول الله تعالی
 یعنی فرستاده شده الله تعالی بسوی خلق از

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين حمد ثابت است مرا لله تعالی
 راکه رب العالمیان است یعنی مرئی و تربیتی
 عالمیان است ایضا و کلام علی رسول محمد
 وآله و صحابه اجمعین صلوة یعنی دعا و درود و کلام
 یعنی رحمت نازل باد بر رسول خدا که نامش شریف است
 محمد است برآل ایشان بر اصحاب ایشان و جمیع
 ایشان لا اله الا الله محمد رسول الله یعنی
 الهی موجود مگر الله تعالی که موجود است حضرت
 محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم رسول الله تعالی
 یعنی فرستاده شده الله تعالی بسوی خلق از

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين حمد ثابت است مرا لله تعالی
 راکه رب العالمیان است یعنی مرئی و تربیتی
 عالمیان است ایضا و کلام علی رسول محمد
 وآله و صحابه اجمعین صلوة یعنی دعا و درود و کلام
 یعنی رحمت نازل باد بر رسول خدا که نامش شریف است
 محمد است برآل ایشان بر اصحاب ایشان و جمیع
 ایشان لا اله الا الله محمد رسول الله یعنی
 الهی موجود مگر الله تعالی که موجود است حضرت
 محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم رسول الله تعالی
 یعنی فرستاده شده الله تعالی بسوی خلق از

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين حمد ثابت است مرا لله تعالی
 راکه رب العالمیان است یعنی مرئی و تربیتی
 عالمیان است ایضا و کلام علی رسول محمد
 وآله و صحابه اجمعین صلوة یعنی دعا و درود و کلام
 یعنی رحمت نازل باد بر رسول خدا که نامش شریف است
 محمد است برآل ایشان بر اصحاب ایشان و جمیع
 ایشان لا اله الا الله محمد رسول الله یعنی
 الهی موجود مگر الله تعالی که موجود است حضرت
 محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم رسول الله تعالی
 یعنی فرستاده شده الله تعالی بسوی خلق از

لا اله الا الله وحده لا شريك له
 لا اله الا الله وحده لا شريك له
 لا اله الا الله وحده لا شريك له
 لا اله الا الله وحده لا شريك له

والله اعلم
 لا اله الا الله وحده لا شريك له
 لا اله الا الله وحده لا شريك له
 لا اله الا الله وحده لا شريك له
 لا اله الا الله وحده لا شريك له

لا اله الا الله وحده لا شريك له
 لا اله الا الله وحده لا شريك له
 لا اله الا الله وحده لا شريك له
 لا اله الا الله وحده لا شريك له
 لا اله الا الله وحده لا شريك له

لا اله الا الله وحده لا شريك له
 لا اله الا الله وحده لا شريك له
 لا اله الا الله وحده لا شريك له
 لا اله الا الله وحده لا شريك له
 لا اله الا الله وحده لا شريك له

از جهت رسانیدن احكام شرعيه اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد نبي الله و رسول الله
 شهادت مبدعهم من اينكه نسبت الهى وجود كرت
 و شهادت مبدعهم من اينكه محمد مصطفى صلى الله عليه
 بنده الله تعالى اند و رسول الله اند آمنت بالله
 و ملائكته و كتب رسوله و ايامه و الاخره و لقد خبرني
 من الله تعالى ان البعث بعد الموت نبي ايامهم
 من خيالي عز وجل يا همه فرشتگان مني ما بهمه كتابها
 و هي با همه رسولان مني بروز قيامت آنچه نقتيد
 نيكى بدى همه از خداى تعالى است عز وجل و زنده
 گردانيدن بعد از ميرانيدن حق است راست
 يفعل الله و يشاء و يحكم ما يريد محصره ان يقول ما ربي
 الله تعالى به قبلته و ما نهانى عنه انتهيت عنه يعنى

۳

والله ربنا الذي هدانا لهذا
والله ربنا الذي هدانا لهذا
والله ربنا الذي هدانا لهذا
والله ربنا الذي هدانا لهذا
والله ربنا الذي هدانا لهذا
والله ربنا الذي هدانا لهذا
والله ربنا الذي هدانا لهذا
والله ربنا الذي هدانا لهذا
والله ربنا الذي هدانا لهذا
والله ربنا الذي هدانا لهذا

مختصر بیان آنکه میگوید بنده آنچیز را که مرده است
مرادند تعالی بهمون چیز قبول کرد من بهمون چیز را
و آنچیز را که می کرده است مرادند تعالی از بهمون چیز
باز اسماء از بهمون چیز فاذا اعتقدت ذلك قلبه

واقرب سانه کان ایمانه صحیحاً و کان مؤمناً بالکل
فصول عادی من نفسی هر چه که می اعتقاد کند بنده
مؤمن همین هر دوی را ایستاد و برایش باشد
ایمان همان بنوع صحیح و بهشت مؤمن بکل چهار نوع
استنجی فرض است اول استنجای جنس دوم استنجای
زنی که از جنس پاک شود سوم استنجای زنی که از همان پاک
شود چهارم نجاستی که زیاد باشد از قدر در تمام
شرعی شستن دومی هم فرض است در طهارت چنانچه فرض است
اول شستن دوی از دیدن موی پیشانی از زیره

نفاذ ما محمود الذي هدانا لهذا
نفاذ ما محمود الذي هدانا لهذا
نفاذ ما محمود الذي هدانا لهذا
نفاذ ما محمود الذي هدانا لهذا
نفاذ ما محمود الذي هدانا لهذا
نفاذ ما محمود الذي هدانا لهذا
نفاذ ما محمود الذي هدانا لهذا
نفاذ ما محمود الذي هدانا لهذا
نفاذ ما محمود الذي هدانا لهذا
نفاذ ما محمود الذي هدانا لهذا

متفق است اول با یک دوم جای یک سوم ما
 یک چهارم وقت پنجم نیت ششم قبله هفتم بیک سجده
 هشتم قیام نهم قرأت دهم رکوع یازدهم سجود دهم
 قعدۀ خیر معرفت ارا التحيات خواندن با عهد و رسوله
 ستر عورت نیز از نذر من متفق است فرض خلاق
 پنجست اول تیتب دوم بیرون آمدن نماز گذار بفعول
 خودش سوم آرام گرفتن در رکوع و در سجود پنجم
 قومه پنجم جلسه نزد امام ابو یوسف و امام شافعی رحمهما
 شرائط فرض شدن کوه هفتست اول حریت
 دوم بلافت سوم عقل چهارم اسلام پنجم نصاب ششم
 که شش سال منقح غیر از قرض صاحب نصاب بودن
 نیت زکوة در وقت دادن یا در وقت جدا کردن
 فرض است ادا کردن کوه بمقتضی فرض است

پنجم بعد از نیت بن جای رکوع یا نیت
 ششم بعد از نیت بن بکس نیت
 هفتم بعد از نیت بن بکس نیت
 ۹
 هشتم زین نیت فرضی است
 نهم حضرت عائشه صدیقہ فرضی است
 دهم امام ابو یوسف و امام شافعی
 هجدهم نصاب و نیت زکوة یا در وقت
 نیت زکوة یا در وقت جدا کردن
 نیت زکوة یا در وقت جدا کردن

معصیت ما دامیکه قوت طعم در وی است
صحابه و تابعین رضی الله تعالی عنهم جمیعین
با جماع و اتفاق اعتقاد حق را از کتاب و از سنت

اخذ کرده اند عمل کردن بغرض اینها

بجز و مؤمنان برضی عنده است

مستحکم و مؤمنان این

و العالمین

در نماز است یک واجب است

هفت اوعه است و چهارده او خاص است آن
هفتیکه عم است اول لفظ الله که گفتن است
در کعبه تحریریه دوم قعدۀ اولی سوم التحيات بخواند
دو قعدتین چهارم آرام گرفتن در رکوع و در سجود مقدّم

یکتای پنجم آوردن هر فرض ادر جائش
ششم آوردن هر واجب از هفتم خارج شدن
مصلا از نماز بلفظ سلام آن چهارده که خلعت است
اول تعیین اولین از برای تسبیح دوم
تعیین فاتحه در دو رکعت اول از فرض سوم
فاتحه یکبار خواندن چهارم ضم سوره بر فاتحه
مقدار سه آیت کوتاه و یا یک آیت دراز پنجم
تقدیم فاتحه بر سوره هین پنجم واجب کور و هیت
بر شخصه که واجب باشد بر همان شخص قرأت ششم
قنوت خواندن در نماز و ترهاتم در بیست و
بنده خواندن ششم در بیست و یک خواندن نهم
سکوت کردن مقتضی که در وقت قرأت
کردن امام دهم تبعیت کردن مقتضی مراسم

بزرگسای که در یاد اگر چند یک محسوبان مخلوقه باشد
یا زدهم سجده تلاوت برام و برنفر دو و از دهم
بجکیرات عیدین سیزدهم بجکیرات رکن عیدین
چهاردهم سجده سهو برام و برنفر دو واجب ترک
واجب از واجبات در پشت اول از قسم آخر و یا
در صبح صور از قسم اول این بدستی که طمانیه و یا

مرفیست مفادات نماز پنجگت اول
سکتم کردن بکلام آدمیان مطلقا بر ابرست که
کثیر باشد و یا قلیل باشد اگر چند یک که دو حرف
ظاهر شود یا قصد او پناه باشد دوم ضحک
یعنی خنده کردن با و از اندک سوم عمل کثیر یعنی
فعلیکه محتاج باشد بدو دست چهارم ترک
کردن از نشاء ایض بی عذر پنجم بخودش رسانیدن

بعضی طهارت خود را بفعل خود شکستن نه

محرمات نماز چهارده است

اول بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن حرام
دوم آیین را بلند گفتن حرام سوم نگاه کردن بجنب
راست و بجنب چپ بگردانیدن بعضی روی حرم
چهارم نگاه کردن بسوی آسمان حرم پنجم تکبیر
کردن بیستون حرم و مانند ستون بی غدر حرم
ششم برداشتن و دست از غیر موضعها مرفوع
شدن حرم هفتم برداشتن انگشتان پای
زمین در رکوع و در سجود حرم هشتم نشستن
بر بالای دوپشته حرم نهم بازی کردن ببدن
و بجایه کم از سه بار حرم دهم اشارت کردن
بگشتن در وقت اشهد ان لا اله الا الله شهید

ان محمد اعجب منه و در سوره كه گفتن حرم يازدهم
قصر كردن سلام بيك جانب حرم دوازدهم
قنوت خواندن در غير و تر حرم سيزدهم
زياده كردن در تكبيرات و در سبيت و در شنا
و در تشهد و بر سنت حرم چهاردهم ترك كردن
يكي از واجبات قصد احرام سه وحدت كه
از جمله ضروريات دين است اول وحدت
در خالقيت يعنى الله تعالى خالق جميع اشياء
غير از سوى خالق ديگر نيست دوم وحدت
در معبوديت يعنى الله تعالى اين عبادت
و سزاوار پرستش است غير از سوى معبودى ديگر
نيست سوم وحدت در وجوب الوجود
يعنى الله تعالى واجب الوجود است يعنى

هستی خودش از ذاتش است نه از غیر از صفت
در غیر الله تعالی سبحانه نیست اگر پرسند که
خدایتعالی را بچند صفت میشناسی جواب
بگو که به ده صفت میشناسم هشتاد و شش است
و دوی او سبلی است آن هشتیکه ثبوتی است
اول علم یعنی الله تعالی سبحان داناست بهمه
اشیاء دوم قدرت یعنی الله تعالی سبحان
تواناست آنچه نیز بگوید خواهد فعلا و ترگا سوم
حیات یعنی الله تعالی سبحان زنده است
از لا و ابدانه بجان چهارم سمیع یعنی الله تعالی
سبحانه شنواست نه بگوشش پنجم بصیر یعنی
الله تعالی سبحان بیناست نه بچشم ششم
کلام یعنی الله تعالی سبحان گو یاست نه بزبان

بکلام نفسی نه بکلام لفظی هفتسم اراده یعنی
الله تعالی سبحانه صاحب اراده و اختیار است
هر چه خواست شد و هر چه نخواست نشد ششم
تکون یعنی الله تعالی سبحانه نابود دراپید کنستند
و آن دو صفت که سلب است اولاً انکه الله تعالی
سبحانه یکدیگر و یکانه است بی شریک و بی مثل
و بی مانند است دوم انکه الله تعالی سبحانه یک است
از جمیع عیبها و نقصانها شش کلمه دینی
اول کلمه طیبیه گفتن است که لا اله الا الله محمد رسول الله
دوم کلمه شهادت تن است که اشهد ان لا اله الا الله
واشهد ان محمداً عبده و رسوله
سوم کلمه توحید گفتن است که لا اله الا الله و محمد
لا شریک له لعلکم تهتدون و بسمیت و هو صلا یوت

بیده انجیر و هو علی کل شیء قدیر چهارم کلمه تجید
 کفین هست که سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا
 الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی
 العظیم ماشا الله کان مع ما لم یشاء لم ینحسب
 کلمه استغفار استغفر الله استغفر الله استغفر الله
 تعالی من کل ذنب الذنبه عمدا او خطا سهوا او غلطا
 صغیرا او کبیرا و اتوب الیه من الذنب الذی الذی علم من
 الذنب الذی لا اعلم انک انت علام الغیوب شکر
 رد کفر اللهم انی اعوذ بک من ان اشکرک بک شیئا
 و ان اعلم و اشکرک بما لا اعلم انک انت علام الغیوب
 و ستار الغیوب و غفر الذنوب للحوال و لا قوة الا
 بالله العلی العظیم ماشا الله کان مع ما لم یشاء لم ینحسب
 بنای مسلمانان بر پنج نوع است اول کلمه شهادت

كما صليت على ابراهيم وعلى آل ابراهيم انك حميد
 حميد اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد كما بارك
 على ابراهيم وعلى آل ابراهيم انك حميد مجيد تكبير
 اينده را بخواند اللهم اغفر لينا وبيتنا و مشاهدا
 و فائنا و صغيرنا و كبيرنا و ذكرنا و انثانا اللهم
 من حبيته منافقيه على لاسلام و من قبيته
 فتوفه على لايمان برحمتك يا ارحم الراحمين انك
 ناسيه باشد اللهم جعل لنا فرط اوله اجرا و
 وجهه لنا شافعا و شفعا برحمتك يا ارحم الراحمين
 اگر دختر کن رسيد باشد اللهم جعلها لنا فرطا و
 اجعلها لنا امرا و ذخرا و جعلها لنا شافعا و
 برحمتك يا ارحم الراحمين نيت نماز جمعه تو
 ان هقط فرض هذا الوقت باد ارعتي الصلوة

انقضى بعد الايام
 خالصه تمامه
 نوبت ان صلاه
 نوبت ان صلاه
 نوبت ان صلاه

نماز نعتن نوبت ان صلاه
 فرض صلوة وقتها
 نماز نعتن نوبت ان صلاه
 فرض صلوة وقتها
 نماز نعتن نوبت ان صلاه
 فرض صلوة وقتها

۱۷

نماز نعتن نوبت ان صلاه
 فرض صلوة وقتها
 نماز نعتن نوبت ان صلاه
 فرض صلوة وقتها
 نماز نعتن نوبت ان صلاه
 فرض صلوة وقتها
 نماز نعتن نوبت ان صلاه
 فرض صلوة وقتها

نماز نعتن نوبت ان صلاه
 فرض صلوة وقتها
 نماز نعتن نوبت ان صلاه
 فرض صلوة وقتها
 نماز نعتن نوبت ان صلاه
 فرض صلوة وقتها

اقتديت بهذا الامم توجها الى جهة الكعبة لخاصة
 شدت الى الله اكبر سبحانك اللهم سبحانك

التيحات شدوا لصلوات

والطيبات السلام عليك ايها النبي رحمة الله و
 بركاته السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين
 اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده
 ورسوله اللهم صل على النبي محمد وارض له
 اغفر لي ولوالدي والجميع اهل الدنيا
 والارباب والارباب والارباب

دعاء سنوت

اللهم انستعينك وتستغفر من ذنوبي بك في كل
 عليك فثني عليك اخير شكر ولا كفر ولا نخلع
 وشكر من يفرحك اللهم اياك نعبد لك نصلي ونسجد اياك

بسم الله الرحمن الرحيم
 اللهم صل على محمد وآل محمد
 صلواتك على سيدنا محمد
 وآل بيته الطيبين الطاهرين
 اجمعين

١٨

نوعها الى جهة الكعبة لخاصة
 الامم خالصا لوجه الله تعالى
 انما نبي الله محمد وآل بيته
 الطيبين الطاهرين اجمعين
 صلواتك على سيدنا محمد
 وآل بيته الطيبين الطاهرين
 اجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم
 اللهم صل على محمد وآل محمد
 صلواتك على سيدنا محمد
 وآل بيته الطيبين الطاهرين
 اجمعين

تسبح و تحفد و زبور جنتك و كحشي عبدك ان من ابك
 بالحق اذ لمحق دعای بعد از نماز
 اللهم تقبل منا صلواتنا و صیامنا و قیامنا و قرآننا
 و ركوعنا و سجودنا و خودنا و بیعتنا و تمیلتنا
 و تحسنا و تضرعنا اللهم تم تقصیرنا و قبل علمنا و حب
 دعانا و غفر ایمانا و ارحم موتانا یا مولانا اللهم حفظنا
 یا فیض من جمیع البلیا و الامراض اللهم تقبل منا
 حزننا و صومنا و فروضنا مع استغثنا مع جمیع نقصنا
 بفضلک و کرمتک لا تضربنا و جرمنا یا ارحم
 الراحمین یا خیر الراحمین توفنا سلیمان و لقمان
 بالحق و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله صحاب
 اجمعین و کرم الله رب العالمین و اعترت زبیرت
 اهل قبور اولی رضاء خود و در رکعت نماز بگذار که برت

طرفه ششم
 از شیخ اشراق بنیاد
 مبداء و جلاله
 فی شان منزهه
 که هیچ کس
 می نماند
 در کعبه
 یا زبیرت
 که صبر کن
 شب را در وضو
 و سوره فاتحه
 و سوره اوله
 المشرع و در این
 بابی بخوان
 و جواب و در
 مصلوب باور
 اول نماز نشو
 و از شب دوم
 و از شب دوم
 و از شب دوم
 و از شب دوم

و سوره اوله
 المشرع و در این
 بابی بخوان
 و جواب و در
 مصلوب باور
 اول نماز نشو
 و از شب دوم
 و از شب دوم
 و از شب دوم
 و از شب دوم

۱۹
 مصلوب باور
 اول نماز نشو
 و از شب دوم
 و از شب دوم
 و از شب دوم
 و از شب دوم

۱۱۱

اول یکبار سوره فاتحه و سه بار سوره خلاص بخواند
و در رکعت دوم نیز همچنین بخواند ثواب او برابر است
پس قسوس آن بزرگوار بخشد بعد از آن در راه سخن ما یعنی
مشغول نشود بعد از آن و بروی اهل قبر پشت بقبله
استاده بخوید السلام علیکم یا اهل القبور بغیر الله لنا
و لکم انتم لنا سلف و نحن بلا اثر لا یعول بعد از آن آیه
اگر کسی اینم فیما خاله و ن بخواند بعد شد ماتی
السموات و ما فی الارض فانصرنا علی اعدائکم کافرا
بخواند بعد یکبار اذ از زلزله یکبار سوره که کثرت
بخواند و ده بار سوره خلاص ده جهلوات بروح
پاک آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم بفرستد اگر نخواند
سوره های سوره تبارک نیز بخواند ثواب آن بزرگوار
بخشد و در سنت از ارواح پاک است طلبه الله اعلم

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد از شش و پنج خدا
مطلع بر قواعد و قواعد
اول دغام و دوین است
غنه در او هم نون بیا
در حروف بقیه حروف
فتح و ضم قبل او کذا
را بچون مفتوح کشت میضموم
چون که کن شود نظر کشا
سازیم در بود کسود
یکی از حرفهای استعلا
یا که آن کسره عارضی باشد
مثل با رحون خذنا
حرف است او یا او
یکش صاف نی بلخ خط
قطب جبر و قفل اول

نعت پنجم و لیل خدا
نون نون نون کن را
سومین قسب و چارمین اخفا
است در شش حروف مطلق
که شود غنه هم در پدید
و در بود کسره بیشتر از آن
سازیم تا هر بی خط
بین که مایل که بود مفتوح
غیر از قیوت نیست هیچ روا
با همچو قرطاس فشر مراد
مثل ایچ و ما یضاحیجا
که تنخیم اندرین حال
با همچو بوسی ایچ او دینا
چون شود حرف قفل کن
هست قطب خاص صفت استعلا

بشنو این چند بیت بگرد
چهار حالت با حروف و حجاب
است در حرف بر لون انعام
حرف قلبت با چون نه تناسل
لام الله را کن تخفیم
چون قال الله کن قسین ادا
را آنکسور را کن ترستیق
یا که مضموم همسجور ساها
مگر آندم که بعد از او آید
شد بغرق دو قول از علما
یا بود کسره در در کلمه
کرد اجماع جمله فصلان
همزه چون بعد حرف آید
جانش ده و بی الحسن ادا
در بود قبل بعد با ضمیر

متحرک چون فونده منھا
 و یکی از حروف بعون آید
 مثل کنتهم بها و هم فیها
 تا تا نیفدا کمن او غام
 شده در حرف لام هم در
 جبهه هر حواز وقف آید
 زمره لا وقف محتمل
 و مشعر بضعف بود
 وقف سین سکوتر از همه جا
 کاف در حکم سابق است
 وقف در آن حکم آید تنھا
 لیک چون با پایه جمع شود
 متفق ثبت کن برده با
 در زمانیکه مختلف باشد
 اب جنب بر بصیر ^{اطلا}
 لیک مخصوص آید کوفت
 مکنی ای شامش

و او حاصل کین ضمیر او
 از پس سیم کن ای وانا
 ذال در ذال ظ شود مخم
 در دو حرف مد و دو کردی
 سیم را زمره وقف لام در
 زی تجویز وقف کرده اند
 قف صیل زمره وقف صیل
 در صلی و صل شمار اول
 خصت آید بوقفین نفس
 جانب وقف او بود اقوی
 چون شود ضم با یهم که
 بست در شرط او وقف را
 یا صین لیک در هر خمس
 یا و بار اهی کنسیم املا
 طبش اربت آید بصیرت
 شده در حرف نمره فضلا
 یازده سوره است در قرآن

و بر دو کسره یا شود پیدا
 میل و میم با بجانب ضم
 دال در دال اخین دین تا
 لام قبل بحول ام بل مخم
 طابا لوقف مطلق است
 بس بود اول اندر و را
 نزد بعضی هم نیستند جدا
 موجب وقف نفس
 وقف را حرف صاتی بر جا
 وجه را هر سوی وقف بود
 حکم آن از میکند پیدا
 چون شوند اهل بصیرت کوف
 یا نویسی که زین اهل صفا
 بهر کوفه بود در ده پنج
 انقبض می است یعنی
 مد نشانی ز آیه مدیت
 که در و صل بعد است اول

فاتحه قارون و تسمی
در نیه دیگر است قطع سزا
سجده در رعد نخل نبوت
صدا بفران بابت ط
بدر عبد البر و فکرم نظم

که ف و انعم و بسبب
بینه بلعقل انیس کم
علق و حج و لیکت اولی
باز در سجدتین لیکت ششم
بنایات حضرت مولی

سوره احواله عن قاطر
عبس بت و و ل و لا
غل و فرقان نجم و ثقت
بمله واجب بکف و فقها
تا شود مستفید ازین آیتا

حق رساله مقصده قصی

بسم الله الرحمن الرحیم
وز پی نعت بیحد و صلوات
مخرج حرف کتسیم بیجا
غائزده مخرجت که خوا
بر مخرج کتبی و چون
هفت حرف مخرجت کلین
عین و حازر مینا که عین
نزد بعضی الف زجوف بود
فان از منت سیم کتبی
غلیصه قاف و کانی شد کتبی
نگده آخرش بود در بان

بعد حمد مرتبی دو جهان
بر روان رسول بایران
در مخرج خلاف بسبب
تا شنای مخرج حرف آن
چون باخ ال او ای
اول اوسط و نهیت آن
بین غنایک حسا نقطه
به که قول از هوای همان
مخرج کتبی نیز چون کتبی
کتبی هر دو راست نام زین
مخرج حیم و شین و کلین

سابع حرف آن کتبی و نه
کوش کن تا بیاری فوق
آنچه بمهور رفت از بدین
همزه فتم در آرد
ما بقره ابدین قیاس بن
الف با همزه از تصوی آن
زا اول ملق میشود زبان
مخرج فخم ده سه شرد و
لیک فم جمله است بر زبان
غله اول است بود
وسط کامت بلین بن

از کنار زبان کج دهان
 یک از سوی چپ است
 مخرج نون هم زبان آمد
 یک باندگی پشت زبان
 مخرج ط و دال شده است
 سه تنان پیش علو کمان
 از کن شنبه تین ز فوق
 دال لق تیزی به پنج بجا
 سه دندان با و سه با
 میخ تنوین نون از پنج
 جمله ذکر هم دندانها
 بس ضواک و کله و آن
 هر کی هم چهار دندان است
 دو ز بر دو و سه بقیه چنان
 اینجیل بیت شده تا رنج
 غم از هم رحمت رحمن
 کاتب پر کله هر پوسد

وز طو حین ادای ضا بدان
 از کنار زبنج و حسن کرم
 با عدیل سه تین سه تنان
 لام با نون مخ را بود نشوی
 سنج دندان پیش راس
 صا و باز او سین می باید
 و از لق اندکی بروی ترا
 چهار حرف دو مخرب است
 و او بهم و باز وسط بان
 چونکه سکن بوند باخت
 مینمایم بنصرت رحمن
 چا و کیر نواجش نام است
 جز طو حین که چهار است آن
 بعد اینیا بست دندان است
 در بیان مخارج ای یار
 ز بنا غفر لفظ یا نا
 تمت لکننا معون الله و کره

از سوی است یا ز چپ
 حرف لام سه ت ایفریدمان
 مخرج را چو مخرج نون است
 نشه لخم سه ت درین دندان
 بود از تیزی زبان دیگر
 که بمانی تو فرجه بیست
 ذال با ط تا برون آید
 فاست از داخل پان
 مخرج آخرین باغ بود
 مثل ان جا کرم و دو کمان
 چون شنا یا را باقی است
 یک نبود بعضی از آن
 دان شنا یا چهار پیشین
 کرده ضرس مثل است آن
 ز اهدش ز لب میجوید
 انک استعج و اینان
 از خد و پهنه و انفران